

تحولات ترکیه و چشم انداز مناسبات با ایران

دکتر جعفر حق پناه*

اشاره:

تحولات سیاسی شتابان جاری ترکیه در ابعاد سیاست داخلی و خارجی طی ماه اخیر وارد مرحله تازه‌ای شده است. کشاکش دولت با احزاب و نیروهای مخالف به ویژه کردها به مرحله حادثی رسیده و برخوردهای حذفی تشدید شده‌اند. سیاست خارجی این کشور - که در بحران سوریه دچار بن‌بست گردیده است - دشواری‌های تازه‌ای در تعامل با متحدان پیشین اروپایی به ویژه آلمان را فراروی خود می‌بیند تا چالش‌های آن منحصر به استمرار تنش با روسیه نباشد. اما رویداد مهم کمابیش نامنتظره، کنار رفتن احمد داووداوغلو از سمت نخست‌وزیری و جایگزینی آن به بن‌علی ییلدیریم بود. طبعاً این جابه‌جایی بی‌تأثیر از التهابات در محیط سیاست داخلی و خارجی و ناتوانی حزب حاکم عدالت و توسعه در مدیریت آنها نبوده و قاعدتاً می‌بایست بر فرایند اخذ تصمیم پیرامون موضوعات اولویت‌دار به ویژه بحران سوریه در خارج و مسئله کردها در داخل اثرگذاری فوری داشته باشد. نوشتار حاضر برخی ابعاد این تحولات مرتبط با جابه‌جایی قدرت در ترکیه را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

مقدمه

در ۱۸ خرداد که خودروی نظامیان را نشانه گرفته بود، به غیر از نظامیان به اماکن عمومی نیز آسیب رساند. متعاقباً انفجار دیگری مقابل یک مقر نظامی ارتش در شهر ترکیه نیز به شمار قربانیان این جنگ داخلی افزود. گروه موسوم به «عقاب‌های آزادی کردستان» که به ظاهر گروهی منشعب از حزب کارگران کردستان به شمار می‌آید، مسئولیت انفجار را به عهده گرفت و اعلام کرد از این پس ترکیه مکانی امن برای گردشگران خارجی نخواهد بود.

جدایی طلبان کرد یکی از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ترکیه یعنی صنعت پررونق گردشگری را نشانه گرفته‌اند. این بخش که به دلیل ناامنی‌های مزمن داخلی و تشدید تنش با ترکیه از سال گذشته دچار افت محسوس شده بود، بار دیگر در معرض رکود بیشتر قرار گرفته و به گفته تحلیل‌گران با کاهش ۵ میلیون گردشگر در فصل گردشگری بهار و تابستان، حدود ۵۰۰ هزار نفر شغل خود را از

در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۵، محیط داخلی ترکیه هم‌چنان تحت تأثیر تداوم کشمکش خونین نیروهای دولتی و کردها قرار داشت. در حالی که استان‌های شرقی و به طور مشخص شهرهای ماردین، سرت و جیزره عملاً به مناطق جنگی تبدیل شده و در آن نبرد میان ارتش و ژاندارمری با چریک‌های وابسته به حزب کارگران کردستان در قالب جنگ چریکی شهری درآمده و زندگی روزمره در این مناطق را مختل کرده، با این حال دامنه نبرد هیچ‌گاه به این نواحی محدود نمانده است. انفجار خونین استانبول

دست خواهند داد. در این ماه تحت تأثیر بی ثباتی های جاری، نرخ برابری لیر ترکیه با ارزهای خارجی به پایین ترین سطح خود طی ده سال اخیر رسید و هر دلار آمریکا با سه لیر ترک معاوضه می گردید که حتی نسبت به دو ماه قبل از آن، کاهش سه درصدی را نشان می دهد.

اشاره به ابعاد مختلف و ضرورت گسترش روابط با ایران در جریان اعلام برنامه دولت در پارلمان و به هنگام اخذ رأی اعتماد از سوی نخست وزیر ترکیه اهمیت روابط با ایران را برای قوای مجریه و مقننه ترکیه و اراده نخست وزیر جدید را برای گسترش مناسبات نشان می دهد.

حزب دموکراتیک خلق ها، عملاً می تواند مخالفان تغییر قانون اساسی و تبدیل آن از نظام پارلمانی به نظام ریاستی را از پارلمان بیرون رانده و به حد نصاب مورد نیاز برای ایجاد تغییر ساختاری و تمرکز قوا نزد رئیس جمهور دست یابد. به نظر می رسد این پروژه اولویت دار حزب عدالت و توسعه است که برای تحقق آن، علاوه بر یکدست کردن پارلمان، نیاز به پاکسازی و تسویه های درون حزبی نیز به چشم می خورد. این گام مهم یکپارچه سازی درونی حزب عدالت و توسعه با حذف احمد داوداوغلو از ریاست حزب و سمت نخست وزیری و انتخاب فردی هماهنگ با شخص اردوغان در اوایل خردادماه (اواخر ماه می)، محقق گردید.

حذف داوداوغلو و نخست وزیری بن علی ییلدیریم

کنار رفتن نظریه پرداز حزب عدالت و توسعه و سکان دار سیاست خارجی ترکیه طی سال های اخیر از پست نخست وزیری که تنها ۱۸ ماه از تصدی این سمت می گذشت، برای ناظران داخلی و خارجی نامنتظره بود. زیرا ظاهراً داوداوغلو طی دوران تصدی مناصب وزارت خارجه و نخست وزیری به عنوان منصوب اردوغان و هماهنگ با وی عمل می کرد. اردوغان نیز با وجود برخی موضع گیری هایی که عمدتاً بیانگر تفاوت روش های این دو چهره اصلی آک پارتی بود، مشی مخالفت آمیزی از خود بروز نمی داد. نخستین مواضع متعارض آنها در اردیبهشت ماه جلوه علنی یافت؛

واکنش دولت اردوغان به ناآرامی های اخیر از سومین سالگرد تظاهرات پارک گزی گرفته تا ناامنی ها و انفجارات در شهرهای مختلف، تشدید سیاست برخورد فیزیکی با مخالفان و متهم کردن آنها به دریافت حمایت خارجی بود. در حالی که اصرار اردوغان بر استمرار سیاست سرکوب پک کک تا محور تروریسم تفاوت چندانی با رویکرد گذشته وی نداشت، اقدام حزب حاکم در پارلمان مبنی بر وضع قانونی که بر اساس آن مصونیت شمار زیادی از نمایندگان مخالف و به ویژه اعضای فراکسیون وابسته به حزب دموکراتیک خلق ها به اتهام حمایت از گروه های تروریستی و تجزیه طلب را سلب و پیگرد قضایی آنان را امکان پذیر می نمود، ناظران سیاسی را در بهت و حیرت فرو برد. اردوغان با این اقدام علاوه بر منکوب کردن مخالفان از جریان های وابسته به فتح الله گولن و چپ های سکولار منتسب به حزب جمهوری خلق گرفته تا

جایگزین داوداوغلو برخاسته از مدیران سیاست‌گذاری داخلی و فن‌سالاران دارای اشتیاق سیاسی کمتر است. بن‌علی ییلدیریم وزیر سابق حمل و نقل، از جمله مدیران موفق در حوزه اقتصادی و خدمات عمومی شناخته می‌شود که به جناح نخبگان اقتصادی حزب تعلق دارد که برخاسته از مناطق رو به توسعه آناتولی مرکزی هستند. هم‌چنین گفته می‌شود برخلاف چهره‌های شاخص آک پارتی از عبدالله گول و داوداوغلو گرفته تا بشیر آتالای و علی باباجان که به دلیل ناهماهنگی با اردوغان به حاشیه رانده شدند، هماهنگی زیادی با رئیس‌جمهور داشته و بیش از آنکه ایده‌پرداز باشد، تکنوکراتی کارآمد و هماهنگ با رؤسای بالادست به شمار می‌آید. وی در قالب برنامه‌های خود جهت تصدی ریاست حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیری نیز برنامه‌های اعلامی رئیس‌جمهور مانند لزوم تغییر قانون اساسی و مبارزه با تروریسم را تکرار کرد. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت رویه سنتی سیاست در ترکیه که به تعادل‌گرایی و منطق محاسبه سود و زیان و پرهیز از ایدئولوژی‌گرایی نزدیک بوده است، تا حد زیادی احیا گردد.

مناسبات با ایران در دولت جدید ترکیه

بن‌علی ییلدیریم رهبر حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیر جدید ترکیه که در مورخه می ۲۰۱۶ به عنوان سکان‌دار شصت و پنجمین دولت ترکیه از مجلس ملی ترکیه رأی اعتماد گرفت، در آغاز به کار خود اعلام کرد که دولت ترکیه به دنبال رفع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، روابط اقتصادی خود با این کشور را با توجه به ماهیت مکمل اقتصاد طرفین و مزیت‌های جغرافیایی که دو کشور در روابط متقابل دارند، در همه جنبه‌ها از جمله در تجارت، گردشگری، انرژی و ارتباطات گسترش خواهد داد. وی همچنین اعلام کرده است که دو کشور همسایه و مسلمان علاوه بر روابط اقتصادی جنبه‌های مشترک دیگری نیز دارند و این مسئله ضرورت گسترش روابط را دو چندان می‌کند. این رویکرد با استقبال مقامات کشورمان مواجه شد و بلافاصله پس از این انتصاب آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، تصدی این سمت را به نخست‌وزیر جدید ترکیه تبریک گفت. اشاره به ابعاد مختلف و ضرورت گسترش روابط با ایران در جریان اعلام برنامه دولت در پارلمان و به هنگام اخذ رأی اعتماد از سوی نخست‌وزیر

آنگاه که داوداوغلو با اتخاذ رویکردی نرم، از امکان یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای کاهش کشمکش خونین در مناطق کردنشین سخن راند و بلافاصله با موضع منفی و تند رئیس‌جمهور مواجه گردید.

آگاهان سیاسی معتقدند علاوه بر اختلاف نظر در مورد راه‌حل مسئله کردی، دو مسئله دیگر نیز میان اردوغان و داوداوغلو جدایی‌انداخته بود. نخست، تحریک فراوان نخست‌وزیر سابق در تعامل با دولت‌های غربی و اتحادیه اروپا به منظور حل و فصل مسئله آوارگان و تبدیل تدریجی وی به مرد اول دیپلماسی ترکیه که به مذاق رئیس‌جمهور اقتدارگرا چندان خوش نیامد. موضوع بعدی به اختلاف نظر آنها در خصوص تغییر قانون اساسی و گذار از نظام پارلمانی به نظام ریاستی مربوط می‌شود که به واقع پروژه اولویت‌دار اردوغان در حوزه سیاست داخلی است. با وجود اصرار و تأکیدات مکرر و پیاپی اردوغان، به نظر می‌رسید که داوداوغلو اهتمام چندانی به تسریع در اجرای این پروژه در گفتار و کردار ندارد. برخی کارشناسان معتقدند که داوداوغلو اصرار به تسریع در تغییر قانون اساسی با توجه به مشکلات دیگر داخلی و خارجی را جایز نمی‌دید و انجام این تغییرات ساختاری را امری زمان‌مند می‌دانست. وجود مشکلات اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی به ۴ درصد نیز زنگ خطری بود که نشان از ناکارآمدی دولت‌مردی می‌داد که اولویت را به سیاست خارجی داده بود و خاستگاه وی نیز حوزه دیپلماسی بود.



می‌تواند راحت باشد. مشکل اساسی دیگر بر سر راه توسعه روابط اقتصادی دو کشور بوروکراسی و موانع اداری موجود در ایران است که برخی محافل در ترکیه نیز در حال بهره‌برداری سوء از این موضوع هستند.

سیاست خارجی و تراکم چالش‌ها

سیاست خارجی ترکیه به خاطر مداخله‌گرایی مخاطره‌آمیز در بحران سوریه همچنان در بن‌بست باقی مانده است. در حالی که مداخلات محدود ارتش ترکیه و حمایت‌های نظامی و تدارکاتی از گروه‌های تروریستی با محوریت گروه احرارالشام و گردان‌های نظامی ترکمانان راه به جایی نبرده‌اند، پیشروی‌های جدید نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک (پی‌د) و یگان‌های مدافع خلق (ی‌پ‌گ) در اطراف شهر رقه و مرز کردستان عراق بر نگرانی‌های آنکارا افزوده است. به ویژه که کردها علاوه بر دریافت سلاح و پشتیبانی از روسیه، اخیراً از حمایت تدارکاتی و مستشاری بیشتری از ناحیه آمریکا نیز برخوردار شده‌اند که با واکنش تند و اعتراض مقامات ترکیه همراه شده است. به نظر می‌رسد ترکیه در بحران سوریه متحدی جز عربستان سعودی و قطر ندارد.

در عراق نیز ترکیه هم‌چنان حفظ مناسبات دوستانه با حکومت اقلیم و گسترش حمایت از اهل سنت عراق را به بهبود روابط با دولت مرکزی در بغداد ترجیح می‌دهد. ترکیه علاوه بر حفظ یگان نظامی خود در کردستان عراق، حمایت از عشایر اهل سنت موسوم به حشدالعراقی

ترکیه اهمیت روابط با ایران را برای قوای مجریه و مقننه ترکیه و اراده نخست‌وزیر جدید را برای گسترش مناسبات نشان می‌دهد. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که برخی رسانه‌های غربی اخیراً گفته بودند کنار رفتن داوداوغلو بر روابط ایران و ترکیه تأثیر منفی خواهد گذاشت و این تفسیرها در رسانه‌های خود ترکیه نیز بازتاب داشته است. با وجود این انعکاس سخنان بن‌علی ییلدیریم در جریان معرفی برنامه‌های دولت جدید در هنگام رأی اعتماد مجلس به وزرای جدید کابینه سبب شد تا این فضا سازی‌ها تقریباً بی‌اثر شود. به ویژه آنکه نخست‌وزیر جدید ترکیه بر اهمیت روابط با ایران تأکید و گسترش همه‌جانبه روابط دو کشور را از برنامه‌های مهم دولت خود دانست. در حوزه روابط اقتصادی بین دو کشور نیز گزارش‌های منعکس شده از رفت و آمد هیئت‌های اقتصادی و برگزاری نشست‌های تخصصی در این زمینه نشان از عزم جدی نهادهای اقتصادی دولتی و غیردولتی ترکیه برای برقراری روابط با ایران دارد که البته در این میان جای برخی نهادهای ترک مانند انجمن تجار و صنعت‌گران ترکیه موسوم به «توسیاد»^۱ (بزرگ‌ترین نهاد غیردولتی در اقتصاد ترکیه) همچنان خالی است. به نظر می‌رسد تاکنون بیشتر سرمایه‌های منطقه آناتولی در روابط ایران و ترکیه به کار گرفته شده است که متشکل از کارآفرینان و تجار اسلام‌گرای نسل جدید اعضای انجمن تجار و صنعت‌گران مستقل موسوم به «موسیاد»^۲ است که عمدتاً بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه قدرت گرفته است. از این رو سرمایه فعالان سنتی و بخش غربی در اقتصاد ترکیه (غول‌های اقتصادی که عمدتاً حول ساختار «توسیاد» جمع شده‌اند) هنوز به طور جدی وارد همکاری با ایران نشده است. در خصوص ورود سرمایه آناتولی به اقتصاد ایران گفتنی است که برخی از این شرکت‌ها از جمله صدها شرکت فعال در حوزه‌های گسترده تحت پوشش «آسکن»^۳ (شیرهای آناتولی) به سبب ارتباط نزدیکی که با حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه دارند، از حمایت‌های لازم دولتی بهره‌مند بوده و دارای مزیت در روابط اقتصادی می‌باشند که می‌توان گفت خیال طرف‌های ایرانی از بابت آینده همکاری با این شرکت‌ها تا اندازه زیادی

1. Tusiad
2. Musiad
3. Askon

مهاجر ترک تبار و مناسبات اقتصادی فراوان، چنین اقدامی را می‌بایست یک شوک بزرگ و ناکامی جدی در تحقق رهیافت اروپایی‌گرایی ترکیه دانست.

در حالی که تداوم چالش با روسیه و زمین‌گیر شدن در باتلاق سوریه به عارضه مزمن سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده، گرفتاری جدید این کشور در بن‌بست روابط با اتحادیه اروپا و از آن مهم‌تر مواجهه با مصوبه مورخ ۱۲ خرداد پارلمان آلمان در محکومیت نسل‌کشی ارمنه توسط دولت عثمانی در بحبوحه جنگ جهانی اول حائز اهمیت و دارای پیامدهای مضاعفی است.

جالب آن است که طیفی از نخبگان همین جمعیت مهاجران موجبات تدوین و تصویب قطعنامه را فراهم آوردند. رأی موافق ۱۲ نماینده ترک تبار پارلمان آلمان که عمدتاً در حزب سبزها عضویت و حتی رهبری آن را بر عهده دارند، بر میزان خشم و نارضایتی مقامات آنکارا افزود و آنان را در بالاترین سطح از رئیس‌جمهور گرفته تا نخست‌وزیر به واکنش خشم‌آلود و تهدید به تلافی وا داشت. اما واقعیت این است که در شرایط کنونی امکان دست‌یازیدن به اقداماتی تلافی‌جویانه و تأثیرگذار متصور نیست. ترکیه نه بدیل مؤثری مانند روسیه دارد تا آن را جایگزین اروپا کند و نه با همسایگانش مناسبات دوستانه‌ای دارد. این واقعیت که تنها جمهوری آذربایجان با موضع ترکیه در محکومیت اقدام پارلمان همراهی کرد، گونه‌ای از انزوای منطقه‌ای این کشور را بازنمایی می‌کند. در این شرایط تنها گزینه موجود نزدیکی تدریجی با اسرائیل و تقویت مناسبات با عربستان

را گسترش داده است تا بدیلی در برابر نفوذ ایران در عراق داشته باشد. این مداخله‌گرایی، نه تنها واکنش اعتراضی مقامات بغداد، بلکه دولت روسیه را نیز به همراه داشته و بر مشکلات آنکارا و مسکو افزوده است. با این اوصاف طبیعی به نظر می‌رسد که مصالحه‌جویی و دلجویی مقامات آنکارا از رهبران کرملین راه به جایی نبرد؛ ولو آنکه طی ماه اخیر رؤسای جمهور دو کشور سخت از تمایل به بهبود روابط سخن به میان آوردند. آنکارا با توجه به تنش به وجود آمده در روابط با اتحادیه اروپا و آلمان تلاش داشته تا مناسبات تیره با مسکو را بهبود بخشد که البته هنوز راه به جایی نبرده است. در حالی که تداوم چالش با روسیه و زمین‌گیر شدن در باتلاق سوریه به عارضه مزمن سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده، گرفتاری جدید این کشور در بن‌بست روابط با اتحادیه اروپا و از آن مهم‌تر مواجهه با مصوبه مورخ ۱۲ خرداد پارلمان آلمان در محکومیت نسل‌کشی ارمنه توسط دولت عثمانی در بحبوحه جنگ جهانی اول حائز اهمیت و دارای پیامدهای مضاعفی است. البته آلمان نخستین دولت بزرگ اروپایی نیست که این واقعه را نسل‌کشی می‌انگارد و بدین جهت فرانسه فضل تقدم دارد، اما نکته مهم این جاست که فرانسه هیچ‌گاه به عنوان دوست ترکیه در اروپا شناخته نشده است و یکی از مخالفان اصلی الحاق ترکیه مسلمان به اتحاد اروپای مسیحی به شمار می‌آید. در مقابل آلمان همواره متحد نزدیک ترکیه در اروپا محسوب می‌گردید و با توجه به حضور سه میلیون

سعودی و سایر دولت‌های نه‌چندان پرنفوذ عربی حاشیه خلیج فارس خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در شرایط تداوم و تراکم چالش‌های سیاسی امنیتی در محیط سیاست داخلی و خارجی ترکیه و امتناع برای برون‌رفت و یا دست‌کم کاهش آنها، تغییر نخست‌وزیر می‌تواند تحول مهمی در نحوه مواجهه حزب حاکم عدالت و توسعه با این چالش‌ها را رقم بزند. برخی از ناظران و تحلیل‌گران با استناد به سوابق و نوع روابط نخست‌وزیر جدید با اردوغان بر این باور هستند که نوعی تقسیم کار میان این دو نهاد با هدایت اردوغان شکل می‌گیرد که براساس آن نخست‌وزیر عمدتاً بر امور اجرایی و اقتصادی تمرکز یافته و رئیس‌جمهور عهده‌دار پرونده‌های سیاسی و امنیتی در سطوح داخلی و خارجی خواهد بود. بنابراین مقدمات نمی‌توان انتظار تحول جدی در رویکرد این دولت در مواجهه با مسائلی مانند بحران سوریه و عراق و یا مسئله کردها در داخل را داشت. در مقابل، دیدگاهی نیز وجود دارد که با اشاره به رویه عمل‌گرایانه و تاجری‌شده ییلدیریم و حتی اردوغان احتمال رسیدن به راه‌حل‌های جدید مبتنی بر مصالحه و نرمش در عرصه‌های داخلی و خارجی را بیش از گذشته می‌داند. بنابر این دیدگاه کنار رفتن داوداوغلو که به رغم تصویر دیپلمات‌منش خویش، مخالف سرسخت هر نوع نرمش در بحران سوریه بود، امکانی برای مقامات آنکارا فراهم می‌آورد تا مشکلات موجود را به‌گردن او انداخته و به تدریج مقدمات خروج از بن‌بست‌های فراروی خود را به‌ویژه در دو حوزه به هم پیوسته مسائل کردی و بحران سوریه و عراق تمهید نمایند. این گزینه چندان دور از واقعیت نیست، زیرا که ترکیه همه ظرفیت‌های خود در بحران‌های گفته‌شده را به کار گرفته و بهره‌چندانی عاید خویش نمی‌بیند. در این وضعیت تغییر نخست‌وزیر به یافتن راه‌حلی بینابین و آبرومندانه برای غلبه بر مشکلات کمک می‌کند.

در این میان موضع‌گیری‌های مثبت اولیه بن‌علی ییلدیریم مبنی بر ابراز تمایل به همکاری با ایران حائز اهمیت ویژه‌ای است و می‌بایست مورد استقبال قرار گیرد تا مقدمات تعاملات بیشتر برای

اجرای کردن توافقات دو جانبه قبلی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی فراهم گردد. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان امیدوار بود با فعال‌شدن انواع کانال‌های دیپلماتیک رسمی و پنهان، رایزنی‌ها برای حصول به توافقات اولیه، رضایت هر دو طرف به ویژه در خصوص سوریه و عراق را تمهید نماید و به ابتکارات صلح منطقه‌ای (مشابه طرح چهار ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۳ در مورد بحران سوریه) منجر شود.

